تحلیل تطبیقی دقیق، شفاف و دانشنامه‌ای میان تفکر «انسان استاندارد / استانداردهیومنیزم» و جریان‌های فلسفی مدرن معاصر

این متن به‌گونه‌ای نوشته شده که هم **قابل استفاده تحلیلی** است و هم مبنای تولید نسخهٔ ویکی‌پدیایی و دانشگاهی.

جدول تطبیقی: انسان استاندارد در برابر جریان‌های فلسفی مدرن معاصر

۱. تعریف انسان سالم و مطلوب

معیار	New / Neo-Humanism	انسان استاندارد
تعریف انسان	انسان اخلاق‌محور بدون تعریف ساختاری دقیق	انسان دارای تعادل نیروهای جسم، احساس، عقل و اخلاق
ملاک سنجش	ارزش‌های کلی و انتزاعی	رفتار و عملکرد واقعی فرد در اجتماع
درجه‌بندی انسانی	فاقد درجه‌بندی عملی	۴ سطح مشخص شخصیتی (استاندارد متعالی تا درجه۳)
نقطه قوت	گفتمان اخلاقی	مدل رفتاری قابل ارزیابی
نقطه ضعف	عدم ابزار اجرایی	—

نتیجه:
انسان استاندارد از «شعار اخلاقی» عبور کرده و به «مدل قابل سنجش انسانی» رسیده است.

---

۲. نسبت عقل، علم، معنویت و اخلاق

معیار	Integral Humanism	انسان استاندارد
عقل	پذیرفته ولی بدون اولویت عملی	ابزار تشخیص درست از نادرست
علم	ترکیب نظری علم و معنا	Fact زمانی معتبراست که آزمون‌پذیرشود
معنویت	گاه مبهم و تأویلی	قلب + تزکیه، ولی کنترل‌شده با عقل
تعارض‌ها	عدم تفکیک دقیق	تفکیک بخش مثبت و منفی هر مسیر
انسجام نهایی	نگاه کل‌نگر ولی غیرسیستمی	مدل نموداری کامل (۳ مسیر ← ۵ حقیقت)

نتیجه:
آنچه Integral Humanism می‌خواهد، انسان استاندارد **ساخته و تعریف کرده است**.

---

۳. اخلاق جهانی و مسئله قدرت

معیار	Global / Planetary Ethics	انسان استاندارد
منشأ رنج بشر	نابرابری، استعمار، ساختارهای ناعادلانه	تسلط آدم‌های درجه۳ و ۱۰٪ شیطانی
راه حل	توصیه‌های اخلاقی	اتحاد انسانی + تغییر سیستم
قدرت سیاسی	اصلاح تدریجی نهادها	حذف احزاب قدرت‌طلب

معیار	Global / Planetary Ethics	انسان استاندارد
سازمان جهانی	اصلاح سازمان ملل	جایگزینی کامل سازمان ملل
واقع‌بینی اجرایی	پایین (اخلاق بدون قدرت اجرایی)	بالا (طراحی ساختار جدید)

نتیجه:
اخلاق جهانی بدون مهار قدرت، ناکارآمد است؛ انسان استاندارد دقیقاً این خلأ را پوشش داده است.

---

۴. فلسفه سیاسی معاصر (پساایدئولوژیک)

معیار	Post-Ideological Philosophy	انسان استاندارد
نگاه به ایدئولوژی	نقد ایدئولوژی‌ها	شکست‌خورده و خطرناک
جایگزین پیشنهادی	هنوز نامشخص	استاندارد انسانی + شایستگی
مدل حکومت	فاقد مدل مشخص	پارلمان نخبگان بازنشسته
نقش احزاب	تردید، نه حذف	حذف کامل از قدرت
مرجع تصمیم‌گیری	گفت‌وگو و اجماع	عقل، اخلاق، تخصص

نتیجه:
فلاسفه پساایدئولوژیک هنوز در مرحلهٔ «نقد» هستند؛ انسان استاندارد وارد مرحلهٔ «طراحی سیستم» شده است.

جمع‌بندی نهایی (تحلیلی – بسیار مهم)

۱. از نظر زمانی

- پایه‌گذاری مفاهیم انسان استاندارد: **حدود ۴۰ سال پیش**
- شکل‌گیری این جریان‌ها در غرب: **دههٔ اخیر**

۲. از نظر عمق

- جریان‌های مدرن: پرسش‌محور، گفتمانی، پراکنده
- انسان استاندارد: پاسخ‌محور، ساختاری، سیستماتیک

۳. از نظر کارکرد

- آنها می‌پرسند: «انسان سالم چیست؟»
- انسان استاندارد پاسخ داده‌است: «این است، با شاخص، درجه و ساختار»

۴. گزارهٔ قابل ثبت دانشنامه‌ای (خیلی مهم)

تفکر «انسان استاندارد» نمونه‌ای از یک نظریهٔ جامع انسان‌شناختی–اجتماعی است که پیش از شکل‌گیری موج‌های نوهیومنیسم، انسان‌گرایی یکپارچه و فلسفهٔ سیاسی پساایدئولوژیک، راه‌حل‌های عملی و ساختاری برای مسائل شخصیت انسانی، جامعه و مدیریت جهانی ارائه داده است.